بسم الله الرحمن الرحیم

# ایجاد انگیزه

«دین» با کمک آیه 177سوره بقره معنا می‌شود، تاریخ ظهور دین چه زمانی بوده است؟ این را فقط [قرآن](http://www.erfan.ir/quran/) مجید بیان کرده است؛ در نتیجهدر کنار بیان قرآن، نمی‌توانیم نظر جامعه‌شناسان و تاریخ‌نویسان را قبول کنیم. جامعه‌شناسان، مطلبشان را به‌صورت نظری ارائه داده‌اند و دلیل و برهانی ندارند. در مطالبی که مطرح می‌شود، معلوم می‌شود که چگونه قرآن در این باره، گوی سبقت را از بقیه ربوده است.

# متن و محتوا

## دین تکوینی

دین دو مرحله دارد: اسم مرحله علمی اولش، دین تکوینی است که صاحب دین در این دینداری، هیچ اختیاری از خودش ندارد. او را دیندارش می‌کنند و در دینداری هم کمکش می‌کنند تا وقتی نوبتش در عالم هستی تمام شود و به قول [قرآن](http://www.erfan.ir/quran/) مجید فانی شود.

## دیدگاه قرآن درباره فنا

فانی بهمعنای عدم نیست. فنا در اصطلاح [قرآن](http://www.erfan.ir/quran/) بهمعنای عوض‌شدن صورت زندگی است و این معنای فناست. لغت نیز همین را می‌گوید؛ اما به‌ نظر بسیاری از افراد، چنین می‌آید که «کلُّ مَنْ عَلَیهافان»﴿الرحمن، 26﴾،یعنیپوچ، هیچ و عدم می‌شوند؛ ولی چنین چیزی در ذات عالم خلقت قرار داده نشده و آنچه موجود می‌شود، دیگر به عدم راه ندارد.

در سوره‌های آخر [قرآن](http://www.erfan.ir/quran/) پروردگار در آیات زیادی از نابود شدن ساختمان هستی خبر می‌دهد؛ برای مثال خورشید خاموش می‌شود، ستارگان تاریک می‌شوند، ماه و دریاها و کوه‌ها دگرگون می‌شوند. همه این سوره‌ها در مکه نازل شده است؛ در حالی که مردم آنجا، یک کلمه از این حرف‌ها را متوجه نمی‌شدند و تا سال‌ها هم این مفاهیم را درک نمی‌کردند. نمی‌شد به آنها بقبولانند که «إِذَا اَلشَّمْسُ کوِّرَتْ»﴿التکویر، 1﴾،یعنی به آنها بگویند: ای مردم، این خورشید را که می‌بینید، روزی تاریک و خاموش می‌شود.

## معنای فنا در قرآن

فنا بهمعنای شکل عوض‌کردن است. آیات [قرآن](http://www.erfan.ir/quran/) را باید با هم روبه‌رو کرد و سنجید تا معنایی که مراد پروردگار است، از این سنجش درآید. سوره‌های آخر قرآن، آمده است: همه‌چیز بههم می‌خورد و دیگر این شکل باقی نمی‌ماند؛ تمام روشنی‌ها تاریک می‌شود، آب تمام دریاها خشک می‌شود، تمام کوه‌ها مثل پنبهحلاجی شده، می‌شوند.شاید بهنظر برخی چنین می‌آید که ابتدای قیامت، همه‌چیز ازدست می‌رود و دیگر هیچ‌چیز وجود ندارد؛ اما در سوره ابراهیم می‌فرماید: «یوم» یعنی قیامت، «یوْمَ تُبَدَّلُ اَلْأَرْضُ غَیرَ اَلْأَرْضِ وَ اَلسَّماواتُوَبَرَزُوالِلّهِاَلْواحِدِاَلْقَهّارِ»﴿إبراهیم، 48﴾،اگر به کتاب‌هایدانشمندان مراجعه کنید ونظریاتشان را درباره پایان جهان ببینید، از حرف‌های [قرآن](http://www.erfan.ir/quran/) بهت‌زده می‌شوید.

در آیه چهارمسوره یونس آمده است: «إِنَّهُ یبْدَؤُا اَلْخَلْقَ ثُمَّ یعِیدُهُ»﴿یونس، 4﴾،از«یعیده»استفادهمی‌شودکهکلآفرینشبههم می‌ریزد و خدا دوباره آفرینش را برمی‌گرداند: «یبدؤا و یعیده.»مطالب زیادی از مطالعه کتاب‌های دانشمندان شرقی و غربیدر این باره به دست می‌آید.

## آب، مایه خلقت

خداوند در[قرآن](http://www.erfan.ir/quran/) مجید می‎فرماید: «مِنَ اَلْماءِکلَّشَیءٍ حَی»﴿الأنبیاء، 30﴾.بسیاری از مردم اشتباه می‌کنند و فکر می‌کنند معنایش این است که همه موجودات با آب زنده‌اند؛ ولی این، معنای آیه نیست. معنای آیه، آن است که همه موجوداتِ زنده از آب درست شده‌اند؛ یعنی مایه خلقت موجودات زنده، آب است.

خود [قرآن](http://www.erfan.ir/quran/) مجید هم می‌فرماید: آیاتی که نمی‌دانید، «واسئل به خبیراً» از آگاهان به حقایقِ بپرسید. ممکن است خودتان در این باره به جایی نرسید؛ اما آگاهان زیادند که شما را به عمق آیات [قرآن](http://www.erfan.ir/quran/) نزدیک کنند. این دستور خود پروردگار است و انسان باخیال راحت می‌تواند به علم مراجعه کند؛ چه‌کار دارد به اینکه، این علم را یک مسلمان مؤمن، ارائه کرده یا یک غیرمسلمان.

## گردش زمین در قرآن

[قرآن](http://www.erfan.ir/quran/)مطالبی دارد که علم هم آنها را اثبات کرده است و این نشانه عظمت اسلام است؛ برای مثالدانشمندان مسئله کروی‌بودن زمین و حرکتش را به دور خودش و به دور خورشید از گالیله می‌دانند. بین گالیله و نزول [قرآن](http://www.erfan.ir/quran/) چند قرن فاصله بوده است؟ [قرآن](http://www.erfan.ir/quran/) به مردم می‌گوید: «أَ لَمْ نَجْعَلِ اَلْأَرْضَ کفاتاً»﴿المرسلات، 25﴾،«کفات»در عربی به پرنده پر قدرتی گفته می‌شود که هم قدرت بالارفتنش و هم قدرت حرکتش در فضا زیاد است و هم می‌تواند بار سنگینی را با خودش بلند کند و ببرد. دارد از مردم می‌پرسد: «أ لم نجعل الارض کفاتا»؛آیا من زمین را پرنده قرار ندادم، پرنده سریع قرار ندادم، آیا من زمین را پروازکننده با بار کوه‌ها و انسان‌ها و موجودات زنده قرار ندادم؟ وقتی[قرآن](http://www.erfan.ir/quran/) مجید گفت: «أ لم نجعل الارض کفاتا»، اصلاً در اروپا دانشگاهی نبوده است. هند دانشگاه داشته، یونان که بعداً جزو اروپا شده، جندی‌شاپور ایران و اسکندریه هم دانشگاه داشته است؛ ولی چندین‌هزار سال، حرف این چهار دانشگاه، این بود که زمین ساکن است و خورشید دور زمین می‌گردد. آن زمان [قرآن](http://www.erfan.ir/quran/) این نظریه را رد کرد؛ ولی اگر به مردم می‌گفت که زمین ساکن نیست و دارای حرکت دَوَرانی و حرکت انتقالی به دور خورشید است، دانشگاه‌ها مسخره می‌کردند.

انسان بهت‌زده می‌شود که خدا 1500 سال پیش چه گفته است؟!حالا خدا چه گفته است؟ خدا گفته است: کل موجوداتِ زنده از آب هستند. این برای آنها از طریق علمی ثابت شد؛ یا اینکه فرموده است: زمین «کفات» است. همچنین در [قرآن](http://www.erfan.ir/quran/) گفته است: هرچه را آفریدم، جفت آفریدم:«وَ مِنْ کلِّ شَیءٍ خَلَقْنازَوْجَینِ»﴿الذاریات، 49﴾،نباتات، حیوانات، انسان‌ها، اتم‌ها و عناصر، جفت هستند؛ اصلاً موجودِ تک خلق نشده، تک فقط یک‌دانه است: «قُلْ هُوَ اَللّهُأَحَدٌ»﴿الإخلاص، 1﴾،«اَللّهُاَلصَّمَدُ»﴿الإخلاص، 2﴾،«لَمْ یلِدْ وَ لَمْ یولَدْ»﴿الإخلاص، 3﴾،«وَ لَمْ یکنْ لَهُ کفُواً أَحَدٌ»﴿الإخلاص، 4﴾،یک‌دانهتکدرعالماست؛ اما بقیه جفت هستند.

در قرآن آمده است: «هو الذی یبدؤا و یعیده»، خداست که کل آفرینش را آغاز کرده است. «یعید» وسط این «یبدؤا و یعیده»، در تقدیر است که این آفرینش خراب می‌شود، این شکل از بین می‌رود و «یعید» یعنی خدا دو مرتبه، کل خلقت را برمی‌گرداند. در قیامت، کل خلقت را می‌بینیم؛ اما نه به این شکل. ذاتش همین است؛ اما شکلش این نیست. در سوره ابراهیم آمده است: «یوم تبدل الارض غیر الارض و السماوات»، زمین به وجود می‌آید، همین زمین است؛ بعد از اینکه کوه‌ها مثل پنبه حلاجی می‌شود و تمام اقیانوس‌ها آتش می‌گیرد و خشک می‌شود.اکنون این سؤال مطرح می‌شود که مگر ممکن است آب، آتش بگیرد؟ آیا ممکن است اقیانوس اطلس در قیامت آتش بگیرد و تا کف خشک شود؟ مگر برای شما ثابت نیست که آب، اکسیژن و هیدروژن است؟ ترکیب اکسیژن و هیدروژن آب است و یکی از این دوتا گاز،می‌سوزد و دیگری‌ می‌سوزاند. خدا این آتش‌زا و آتش‌گیرنده را با هم آشتی داده و به صورت آب،تر و خنک شده است. حالا اولِ قیامت، پیوند آشتی را قطع می‌کند و کل آب‌ها آتش می‌گیرد؛ اما همین زمین را می‌آورند؛ اما غیر از این شکلی که الآن دارد. آسمان‌های خراب‌شده را می‌آورند و کل موجوداتی که مُردند و تخریب شدند، «بَرَزُوا لِلّهِاَلْواحِدِاَلْقَهّارِ»﴿إبراهیم، 48﴾،همهدرپیشگاهخدایچیره بر همه‌چیز، خودشان را نمایش می‌دهند و آشکار می‌شوند. وقتی آدم، [قرآن](http://www.erfan.ir/quran/) را می‌خواند، به اعجاب واداشته می‌شود. این مطالبش معجزه است.

## شروع دین

ما تاریخِ اینکه دین از چه زمانی شروع شده، نه از دانشمندان جامعه‌شناس قبول داریم و نه از تاریخ‌نویسان، اینها نمی‌دانند دین از چه زمانی شروع شده است! اینها حتی آمدند عصر زندگی را به چند دوره تقسیم کردند: عصر حجر، عصر مفرغ، عصر غارنشینی، عصر جنگل‌نشینی، عصر آمدن در سطح، عصر جمع‌شدن دور هم، تا این شکل زندگی به‌وجود آمده است؛ یعنی تمدن را تدریجی می‌دانند که [قرآن](http://www.erfan.ir/quran/) قبول ندارد. زندگی در کره زمین بهوسیله آدم، با دین، علم و ارزش‌ها شروع شده است:«وَ عَلَّمَ آدَمَ اَلْأَسْمٰاءَ»﴿البقرة، 31﴾،یعنیزندگیباعلمشروعشدوبعدجمعیتکهدرزمینزیادشد، عده‌ای دیدند که علم عالمان، مانع هوای نفسشان است، آمدند و مردم را بهطرف جهل بردند تا مردم خواب باشند و آنها هم کار خودشان را بکنند؛ اما زندگی با علم شروع شد، زندگی با ارزش‌ها شروع شد؛ با ارزش‌ها یعنی وجود آدم این‌قدر ارزش در آن بود که خدا به کل فرشتگان فرمود: به آدم سجده کنید و زندگی با دین شروع شد: «قُلْنَا اِهْبِطُوا مِنْهاجَمِیعاًفَإِمّایأْتِینَّکمْمِنِّیهُدیفَمَنْتَبِعَهُدایفَلاخَوْفٌعَلَیهِمْ وَ لا هُمْیحْزَنُونَ»﴿البقرة، 38﴾،مندینراباآدمفرستادمکههرگزدرزندگیِفردی،خانوادگیوجمعیشماترسوغصههمبهوجود نیاید؛ یعنی هر جا ترس و اندوه، حاکم است، منشأ آن بی‌دینی است.گاهییک فرد، ممکن است دیندار باشد؛ ولی فرد دیگری که بی‌دین است، عامل ترس و اندوه ویمی‌شود.ممکن است پدر فرد یا مادرش یا زنشیا بچه‌اش یا عمویش یا مردم شهر یا حکومت بی‌دین باشند.

## بی‌دینی باعث ترس و اندوه

[قرآن](http://www.erfan.ir/quran/) می‌گوید: بی‌دینی، عامل وحشت، ترس، غصه و اندوه است؛ ولی ممکن است در جامعه‌ای که ترس یا غصه بر آن حاکم است، مردان و زنان دینداری هم باشند که بودند و هستند و هیچ ‌وقت زمین از مردم مؤمن خالی نبوده است؛ ولی هدف دین در شروع زندگی طبق گفته پروردگار، این بوده که ترس و غصه در زندگی نباشد. حالا اگر فرد در خانواده‌اش بترسد یا غصه‌دار باشد یازن و شوهر، بی‌دین باشند یا یکی‌ از آنها بی‌دین باشند، مشکل پیش می‌آید؛ ولی اگر هر دو دیندار باشند، امنیت کامل دارند، راحتند واز هم نمی‌ترسند.

## نمونه‌ای از اثرات دینداری

شخصی خانه‌ایدر حدود نهصد متر داشت که خیلی قدیمی بود. همه اتاق‌ها تیرِ چوبی داشت. حوض بزرگی، وسط این خانه بود. پدربزرگ وی در بازار، مغازه داشت. وی نقل می‎کند: هر روز پدربزرگم، بعد از خوردن صبحانه‌، لباس‌هایش را می‌پوشید تا به بازار برود. مادربزرگم از جوانی‌اش دنبال پدربزرگم تا دم در حیاط می‌آمد که در را باز کند و پدربزرگم از خانه بیرون برود. این کار، شصتسال ادامه داشت؛ یعنی مادربزرگم، پدربزرگم را تا دم در خانه بدرقه می‌کرد، هنوز در را باز نکرده بود، به پدربزرگم می‌گفت: تو شوهر منی، دوتا دختر و یک پسر از تو دارم. من و تو و سه‌تا بچه پنج‌ نفریم. نروی در مغازه بنشینی و به فکرت بیاید که زن من و این سه‌تا بچه‌اش، خیلی سفره چرب و نرم می‌خواهند، انگشترها، گردن‌بندها، دست‌بندها و لباس‌های خوبی می‌خواهند؛ حالا که نمی‌شود اینها را با درآمد معمولی تأمین کنیم، ولی یک‌خرده جاده خاکی می‌زنیم. من با این دو دختر و پسرم، صبح و ظهر و شب با نان و پیاز، با نان خالی، با نان و کشک بین خود و خدا زندگی می‌کنیم، اضافه درآمد را که جاده خاکی می‌خواهی بزنی، گردن ما نگذار! ما قیامت قبول نمی‌کنیم! حرام نیاور! حالا به ما که خبر نمی‌دهی این حرام است؛ ولی اگر حرام بیاوری، ما که علم به حرام نداریم، خوردنش برای ما حلال است؛ ولی اگر پروردگار در روز قیامت، ما را در دادگاه بخواهد که شصت‌سال سر سفره‌تان لقمه حرام آمد، می‌گوییم قانون تو این بود چیزی را که نمی‌دانی حرام است، پس حلال است. ما تقصیری نداریم! گردن این مرد را بگیر که هر روز به او گفتم: به‌خاطر ما جاده خاکی نزن. گفت: هفتادسال یک لقمه حرام از در این خانه داخل نیامد.

## آثار دینداری

تاریخ شروع دین مساوی با شروع زندگی در کره زمین است. خدا برای چه دین را فرستاد؟ «فَلا خَوْفٌعَلَیهِمْ»﴿البقرة، 38﴾،برایاینکهترسداخلزندگی‌تاننباشد؛«وَ لا هُمْیحْزَنُونَ»﴿البقرة، 38﴾،برایاینکه در زندگی‌تان غصه نباشد. وقتی من و همسرم دیندار باشیم، برای چه از همدیگر بترسیم؟ برای چه برای هم غصه بسازیم؟ اگر من و بچه‌هایم دیندار باشیم، آنها من را برای چه بترسانند؟

وقتی بچه‌ها دیندار نباشند، پدر باید بترسد و غصه‌دار هم باید بشود؛ اما اگر بچه‌ها، دیندار باشند، معتقدند:«وَ بِالْوالِدَینِإِحْساناً»﴿البقرة، 83﴾.

## شیعه شدن جوان و مادر مسیحی

در کتاب وسائل‌الشیعه آمده، جوانی به نام ابراهیم در منا یا عرفات، خدمت حضرت صادق علیه‌السلام آمد و گفت: ای پسر ‌رسول خدا! من مسیحی بودم، جزء مسیحی‌های مدینه‌ام و شیعه شده‌ام. پدرم مرده است؛ اما مادری دارم کهبیش از هشتادسال دارد و مسیحی است. من الآن از مکه برمی‌گردم و یک حاجی شیعه‌ام، با این مادر مسیحی چه‌کار کنم؟ فرمودند: مادرت گوشت خوک هم می‌خورد؟ گفت: نه! فرمودند: مشروب می‌خورد؟ گفت: نه! فرمودند: می‌توانی از لیوانش آب بخوری، می‌توانی با او غذا بخوری و به مدینه که برگشتی، خیلی بیشتر از زمان مسیحی‌بودنت باید به این مادر خدمت کنی؛ یعنی باید کاری بکنی که مادرت نسبت به تو کمترین دغدغه‌ای نداشته باشد یعنی باید دین داشته باشی که هیچ‌کس از دست تو دغدغه نداشته باشد.

دو، سه ‌روز که از سفر حج گذشت، مادر گفت: پسرم! خیلی عوض شدی. گفت: دینم را عوض کردم. گفت: دینت چه شده است؟ گفت: اسلام. گفت: به دست چه کسی؟ این کارهایی که داری می‌کنی، چه کسی یادت داده است؟ گفت: معلمم! گفت: معلمت کیست؟ گفت: امام صادق علیه‌السلام پرسید: جزو انبیاست؟ گفت: نه! گفت: ولی این اخلاقی که تو پیدا کردی، اخلاق انبیاست که از آنها به تو انتقال پیدا کرده است. گفت: نه، امام صادق علیه‌السلام پیغمبر نیست، پسر پیغمبر است؛ ولی امام است. گفت: همین الآن بلند شو و پیش امام برو، سلام من را برسان و بگو: من هم دلم می‌خواهد مسلمان شوم. وی پیش حضرترفت و حضرت فرمودند: برو شهادتین را تلقین کن. آمد و گفت: مادر، راه ورود به اسلام، شهادت به وحدانیت محبوب و به رسالت پیغمبر است. گفت: چطوری بگویم؟ گفت: بگو «اشهد ان لا اله الا الله»، شهادت رسالت پیغمبر وچند دقیقه بعد هم مادر افتاد و مُرد. خدا خیلی آسان گرفت و آدم با دو دقیقه مسلمان‌شدن به بهشت می‌رود. با دو دقیقه، بعد از نودسال مسیحی‌بودن! گریه‌کنان پیش امام آمد و گفت: آقا، مادرم شیعه شد و مُرد؛ ولی سال‌ها مسیحی بود، نماز و روزه‌هایش چه می‌شود؟امام فرمودند: خدا همه آنها را با شیعه‌شدنش بخشیده و هیچ‌یک از نمازهایش را نمی‌خواهد قضا کنی، روزه‌اش را هم نمی‌خواهد بگیری؛ فقط مواظب باش که زنان مسیحی برای دفن نیایند و کارهایی که مسیحیان می‌کنند، برای دفنش انجام ندهند. من الآن خانم‌های شیعه را می‌فرستم تا بدن مادرت را غسل بدهند، کفن کنند و در بقیع، پیش خودمان دفنش کنند.

 از زمان آدم تا زمان پیغمبر اسلام، دین خدا یک دین بوده است. دین عالم، تکوینی است؛ یعنی [قرآن](http://www.erfan.ir/quran/) می‌گوید: تمام موجودات عالم مسلمانند و در موجودات عالم طبیعت، کافر وجود ندارد، مشرک وجود ندارد و خودش، مسلمانشان بار آورده، ساخته و خود پروردگار هم اسلامشان را ادامه می‌دهد تا وقتی که از این دنیا غروب کنند؛ اما این دین که [قرآن](http://www.erfan.ir/quran/) و پیغمبر دارد، اسمش دین تشریعی است؛ یعنی دینی است که افراد باید به اختیار خودشان به این دین عمل کنند.

## سخن پایانی

خدایا به حقیقت قرآن و به حقیقت صدیقه کبری علیهاالسلام تو را سوگند می‌دهیم که دینت را از ما نگیر؛ در [قرآن](http://www.erfan.ir/quran/) گفته است: «إِنْ یشَأْ یذْهِبْکمْ وَ یأْتِ بِخَلْقٍ جَدِیدٍ»﴿فاطر، 16﴾،اگر دین من را نخواهید و به آن عمل نکنید، به جمعیت دیگر می‌دهم و شما بی‌دین می‌شوید. خدایا! ما را بی‌دین نمیران.

گریز و روضه

روزی که پیکرم را بر روی ناقه بستند                        در یک لحظه جدایی قلب مرا شکستند

آنجا غریب و تنها بودم میان اعدا                               دیدم که عمه ام را به تازیانه بستند

من اینچنین جدایی هرگز ندیده بودم                        همه نعش و عزدار هر دو به خون نشستند

امام سجاد طفل صغیر می دید گریه می کرد ، آب می آوردند وضو بگیرد گریه می کرد ، اگر اسیری می دید احترامش می کرد ، اگر می دید گوسفندی را ذبح  می کنند گریه می کرد ، می فرمود : آبش دادید یا نه ؟ آری آقا ، ما مسلمانیم با گریه می فرمود :عده ای هم در کربلا می گفتند ما مسلمانیم ولی بابای من را با لب تشنه کشتند .

هر وقت یاد شهر شام می افتاد گریه می کرد . آقا چرا اینقدر گریه می کنی ؟ ( آقا شرح می داد ) می فرمود : اول صبح بود وارد شهر شام شدیم ما را عصر رساندند به مجلس یزید ، خیلی راه نیست چرا اینطور ؟

فرمود : ما را  سر هر کوچه و بازار نگه می داشتند تا این مردم ما را نظاره کنند ما را از محله یهودیان بردند آن ها به ما سنگ می زدند عزیزان پیغمبر را وارد مجلس نا محرم کردند ، ما را خرابه های شام جای دادند

تو این خرابه یکی از خواهران من آنقدر گریه کرد ، سراغ بابا را گرفت خواهر چشم انتظار من با لبان تشنه و شکم گرسنه جان داد  .

الا لعنه الله عای القوم الظالمین یاحمید بحق محمدیاعالی بحق علی یا فاطربحق فاطمه یا محسن بحق الحسن ویاقدیم الاحسان بحق الحسین اللهم اجعل عواقب امورنا خیرا اللهی لاتکلنا الا انفسنا طرفه عینا ابدا